

نقدها و بررسی‌ها



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

موضوع:**عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ مهدی؛ منصور زمینه‌ساز ظهور مهدی؛ یاران و دوستان****بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ****نقد****نویسنده: جمعی از جوانان مسلمان مقیم اروپا****تاریخ: ۱۳۹۸/۳/۸**

با تشکر از زحمات شما عزیزان، مایلیم به اطلاعاتتان برسانیم که ما کتاب آقای خراسانی را خوانده‌ایم و از مطالبی که در سایت ایشان منتشر می‌شود استفاده می‌کنیم و در اکثر موارد با ایشان هم‌نظر هستیم و ایشان را یک نابغه و یک عالم برجسته و قابل احترام می‌دانیم، ولی به هیچ وجه شخص محوری را کار درستی نمی‌دانیم و دوست نداریم که زیر نظر کسی باشیم و خودمان را به یک چهارچوب خاص مقید و محدود کنیم. ما برداشت‌های خودمان را داریم و معتقدیم که هر کس باید خودش متناسب با تشخیص و توان خودش برای ظهور امام مهدی زمینه‌سازی کند. لذا به نوبه‌ی خود هر کاری که صلاح بینیم برای نشر این پیام انجام می‌دهیم، بدون اینکه به شما گزارش بدهیم یا با شما در ارتباط باشیم. درست است که ما طرح کلی را از این بزرگوار گرفته‌ایم، ولی روش خودمان را داریم و دلیلی نمی‌بینیم که به ایشان پاسخگو باشیم. البته ایشان عالم‌ترین و صالح‌ترین شخصی هستند که می‌شناسیم، ولی این دلیل نمی‌شود که از ایشان اطاعت کنیم؛ خصوصاً با توجه به اینکه ایشان ادعای خاصی ندارند و خود را خراسانی موعود نمی‌شمارند و به نظر ما ممکن نیست که خداوند بر کسی جز امام مهدی مهر تأیید زده باشد و ما را به اطاعت از او امر کرده باشد. لذا از شما خواهش می‌کنیم که از ما توقع گزارش و ارتباط مستمر نداشته باشید و اجازه دهید که خودمان آزادانه در این عرصه فعالیت کنیم.

بررسی**تاریخ: ۱۳۹۸/۳/۱۳**

برداشت ما از سخنان شما این است که فی الجمله گفتمان علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی را پذیرفته‌اید، ولی به خود ایشان احساس نیاز نمی‌کنید و همراهی با ایشان را ضروری نمی‌دانید. از این رو، لازم است که چند نکته را به شما یادآوری کنیم:

۱. در اسلام هیچ کس جز خداوند اصالت و موضوعیت ندارد و با این وصف، محور قرار

دادن هر کسی بجز او شرک محسوب می‌شود، ولی این به معنای لزوم اعتزال و انقطاع از همگان نیست، بل به معنای این است که هر کسی مطابق با احکام خداوند عمل می‌کند و به سوی او فرا می‌خواند، شایسته‌ی همراهی است؛ چنانکه فرموده است: **«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ»**^۱؛ «ای کسانی که ایمان آوردید! از خداوند بترسید و به همراه راستگویان باشید» و فرموده است: **«وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ»**^۲؛ «و خودت را به همراه کسانی نگاه دار که پروردگارشان را صبح و شام می‌خوانند و خشنودی او را می‌جویند» و فرموده است: **«وَتَوَقَّأْنَا مَعَ الْأَبْرَارِ»**^۳؛ «و ما را به همراه نیکان بمیران» و هر کسی بر خلاف احکام خداوند عمل می‌کند و به سوی غیر او فرا می‌خواند، شایسته‌ی اعتزال و انقطاع، بلکه مخالفت و مقابله است؛ چنانکه فرموده است: **«فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰ عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا»**^۴؛ «پس دوری بجوی از هر کسی که از ذکر ما روی برتافته و جز زندگی دنیا را نخواسته است» و فرموده است: **«وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ»**^۵؛ «و از مشرکان دوری بجوی» و فرموده است: **«وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ»**^۶؛ «و از جاهلان دوری بجوی». بی‌گمان این مفهوم توحید و صراط مستقیم در اسلام است و هر کس شیوه‌ای دیگر را در پیش می‌گیرد، به این معنا که از اهل حق دوری می‌جوید یا با اهل باطل همراهی می‌کند، در گمراهی آشکاری است.

۲. علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی تنها یک نظریه‌پرداز دینی نیست تا تصدیق نظریه‌ی او کافی باشد، بل یک قیام‌کننده‌ی به حق و رهبر انقلابی است که عملاً در حال اجرای نظریه‌ی خود است و شما اگر نظریه‌ی او را تصدیق فرموده باشید، باید با او در اجرای آن همکاری کنید. واضح است که زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی علیه السلام یک نهضت جهانی است و برای اینکه به آرمان خود نائل شود و بر دشمنانش چیره گردد، به «سازماندهی»، «هماهنگی» و «مدیریت» نیاز دارد. اینکه هر کسی راه بیفتد و به گوشه‌ای برود و بگوید من برای خودم زمینه‌سازی می‌کنم، به غایت خام‌اندیشانه و کوتاه‌بینانه است. یکی از محورهای پیام علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی، «ضرورت اجتماع صالحان برای حمایت از مهدی» است و با این وصف، هر اقدامی که در خلاف جهت این «اجتماع» صورت پذیرد، مخرب و انحرافی است و به نقض غرض می‌انجامد. «تکروی» و «موازی‌کاری» و

۱. التوبة / ۱۱۹

۲. الکهف / ۲۸

۳. آل عمران / ۱۹۳

۴. النجم / ۲۹

۵. الأنعام / ۱۰۶

۶. الأعراف / ۱۹۹

اقدامات «خودسرانه» و «انزواجویانه» تنها به لوث شدن گفتمان زمینه‌سازی و تنزل آن از سطح یک نهضت جهانی تا سطح یک دیدگاه شخصی منجر می‌شود. این «اشتباه بزرگ» حتی اگر ناشی از عدم درک ابعاد این گفتمان عظیم باشد، سبب ایجاد «تفرقه» در میان مؤمنان و بروز «شکاف» در صفوف آنان می‌گردد و به قدری دور از حکمت و مصلحت است که بعید است هیچ انسان عاقل و خیرخواهی از مؤمنان به آن راضی شود. چنین «امر به منکر و نهی از معروفی» تنها از «منافقان» انتظار می‌رود که می‌کوشند نیروهای حق را از حالت «تمرکز» و «انسجام» خارج کنند تا از درون متلاشی و به جزائر کوچک تقسیم شوند. تنها آنان هستند که ضرورت «وحدت» و «همبستگی» را انکار می‌کنند و نقش رهبری را نادیده می‌گیرند و شعار «جدایی» و «استقلال» سر می‌دهند و البته آنان محکوم به شکست و ناکامی‌اند؛ چراکه سنت‌های الهی چنین اقتضا می‌کند.

۳. وجوب «اجتماع» و «تعاون» مؤمنان با یکدیگر در نیکوکاری و تقوا یکی از آموزه‌های مهم و بنیادین اسلام است؛ چنانکه خداوند فرموده است: **﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾**^۱؛ «و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند پس از اینکه نشانه‌های روشن برایشان آمد و آنان برایشان عذابی عظیم است» و فرموده است: **﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى﴾**^۲؛ «و با یکدیگر در نیکوکاری و تقوا همکاری کنید» و فرموده است: **﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ﴾**^۳؛ «هرآینه خداوند دوست می‌دارد کسانی را که در صفی واحد در راهش می‌جنگند چنانکه گویی سدی محکمند» و از این رو، کسانی که در صدد **﴿تَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾**^۴؛ «جدایی انداختن میان مؤمنان» هستند و با تکروی خود **﴿يَتَّبِعُ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ﴾**^۵؛ «از غیر راه مؤمنان می‌روند» را به عذابی سخت بیم داده است؛ همچنانکه پیامبر نیز بر «لزوم جماعت» به معنای همراهی با توده‌ی اهل حق تأکید کرده و «مفارقت جماعت» به معنای جدایی از آنان حتی به اندازه‌ی یک وجب را مساوی با خروج از اسلام دانسته و فرموده است: **﴿مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ شِبْرًا، فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَةَ الْإِسْلَامِ مِنْ عُنُقِهِ﴾**؛ «هر کس به اندازه‌ی یک وجب از جماعت (اهل حق) فاصله بگیرد، طوق اسلام را از گردن خود درآورده است». همه‌ی این تأکیدات برای آن است که **﴿يَدَّ اللَّهُ مَعَ الْجَمَاعَةِ وَمَنْ شَدَّ شَدًّا فِي النَّارِ﴾**؛ «دست خداوند به همراه جماعت است و هر کس جدایی جوید در آتش جُسته است» و **﴿إِنَّ الشَّيْطَانَ مَعَ الْوَاحِدِ وَهُوَ مِنَ الْإِثْنَيْنِ أَبْعَدُ﴾**؛ «شیطان به

۱. آل عمران / ۱۰۵

۲. المائدة / ۲

۳. الضف / ۴

۴. التوبة / ۱۰۷

۵. النساء / ۱۱۵

همراه یک نفر است و از دو نفر دورتر است» و «إِنَّمَا يَأْكُلُ الذَّنْبُ مِنَ الْعَنَمِ الْقَاصِيَةَ»؛ «و گرگ از میان گوسفندان آن را می‌درد که فاصله گرفته است».

۴. واضح است که «جماعت اهل حق» مانند هر جماعت دیگری در جهان برای تداوم و انتظام خود به رهبر نیاز دارد و این یک ضرورت عقلایی و اسلامی است، بی‌آنکه به معنای «شخص محوری» باشد؛ زیرا «شخص محوری» به معنای آن است که همه‌ی اعضای یک جماعت در خدمت اهداف و منافع یک شخص باشند، نه در خدمت اهداف و منافع مشترک؛ همچنانکه به معنای اطاعت کورکورانه و بی‌چون و چرا از اوست، حال آنکه «جماعت اهل حق» در خدمت اهداف و منافع شخصی رهبر خود قرار ندارند و به صورت کورکورانه و بی‌چون و چرا از او اطاعت نمی‌کنند، بلکه تنها تحت «نظارت متعارف» و «مدیریت عقلایی» او در چهارچوب احکام شرع قرار دارند و برای دست یافتن به اهداف و منافع مشترک تلاش می‌کنند؛ چنانکه در کتاب «هندسه‌ی عدالت»^۱ آمده است: «زمینه‌سازان حکومت انسان کامل، مانند دانه‌های تسبیح هستند که با رشته‌ی رهبر مشترک به یکدیگر وصل می‌شوند و به «هماهنگی» و «همکاری» در راستای هدف مشترک دست می‌یابند» و این با هیچ معیاری «شخص محوری» محسوب نمی‌شود. بی‌گمان خلط میان «داشتن مدیریت» و «شخص محوری» اشتباه عجیبی است که تنها در میان خوارج سابقه داشته است؛ همانان که می‌گفتند: «لا حکم إلا لله» و مقصودشان این بود که به هیچ امیری نیاز نیست!^۲

۵. بدون شک «مهر تأیید» از جانب خداوند بر «امامت» و «ولایت» کسی جز مهدی علیه السلام ممکن نیست، ولی «مهر تأیید» از جانب خداوند بر «زمینه‌ساز بودن» کسی برای ظهور مهدی علیه السلام ممکن است؛ چراکه خداوند هر کسی را تا حدی که اختیار داده است «تأیید» می‌فرماید و «تأیید» او لزوماً صفر یا صدی نیست! از این رو، روایات متواتری از پیامبر و اهل بیت در «تأیید» زمینه‌ساز خراسانی ظهور مهدی علیه السلام رسیده است، تا حدی که با تأکید و صراحت فرموده‌اند: «فَأْتَوْهُ فَبَايَعُوهُ وَلَوْ حَبْنُوا عَلَى الثَّلَجِ»؛ «به سوی او بشتابید و با او بیعت کنید اگرچه چهار دست و پا بر روی برف!» روشن است که این «مهر تأیید» از جانب خداوند بر زمینه‌ساز خراسانی ظهور مهدی علیه السلام محسوب می‌شود و با این وصف، استبعاد شما واقعیت را تغییر نمی‌دهد. البته «مصدق شناسی» و تشخیص اینکه آیا علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی -با توجه به تجلی عینی و کامل این خصوصیت در او- همان زمینه‌ساز موعود ظهور مهدی علیه السلام است یا نه، وظیفه‌ی شماست و این وظیفه با دوری جستن از اهواء نفسانی و برداشت‌های شخصی و بی‌دلیل و نیز

۱. ص ۸۴

۲. برای آگاهی بیشتر در این باره، نگاه کنید به: کتاب هندسه‌ی عدالت، ص ۷۶ تا ۸۴.

نزدیک شدن به این بزرگوار برای آگاهی بیشتر از ویژگی‌هایش قابل انجام است، نه با حالتی شبیه به «خودشیفتگی» و بها دادن بیش از حد به برداشت‌های شخصی و بی‌دلیل خود و نه با فاصله گرفتن از ایشان و اکتفا به چیزی که در این باره بر روی سایت قرار گرفته است! هر چند توضیحات مستدل و مبسوطی در این باره بر روی سایت قرار گرفته که برای عاقلان کافی است؛ مانند نقد و بررسی ۳۵ و نقد و بررسی ۵۶.

از اینجا دانسته می‌شود که متأسفانه برخی برادران و خواهران ما هنوز نتوانسته‌اند از شرّ برخی موانع شناخت در خود مانند «تکبر» و «اهواء نفسانی» خلاص شوند و از این رو، می‌خواهند با جدایی انداختن میان این گفتمان‌های رهایی‌بخش و آورنده‌ی آن، خود را در برزخی قرار دهند و همزمان هم از مسؤولیت همراهی با این بزرگوار و هم از پیامدهای نفی گفتمان او بگریزند؛ مانند کسانی که خداوند درباره‌ی آنان فرموده است: ﴿يُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَيُقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا﴾؛ «می‌خواهند میان خداوند و فرستادگانش جدایی بیندازند و می‌گویند به یکی ایمان می‌آوریم و به دیگری کافر می‌شویم و می‌خواهند میان این دو راهی بیابند». در حالی که بدون شک این رویکرد صحیحی نیست و می‌تواند هم به خود آنان و هم به این گفتمان‌های رهایی‌بخش صدمه بزند. لذا ما خیرخواهانه به شما توصیه می‌کنیم که از «خودرایی»، «تکروی» و «نظارت‌گریزی» بپرهیزید و بر خلاف جهت رودخانه شنا نکنید، بلکه مطابق با قواعد اسلام عمل کنید و فروتنانه و مخلصانه به کاروان زمینه‌سازان ظهور مهدی علیه السلام پیوندید و از استعدادها و توانمندی‌های خود برای «هم‌اندیشی» و «همکاری» با این معلم بزرگ و سایر برادران و خواهران مؤمن به منظور رسیدن به «آرمان مشترک» بهره ببرید و یقین بدانید که این تنها راه پیروزی و سعادت است.



تاریخ: ۱۳۹۸/۱۱/۸

نویسنده: م. صادقی

نقد فرعی ۱

تشکر از شما عزیزان که در حال تلاش شبانه‌روزی برای فراهم کردن زمینه‌ی ظهور خلیفه‌ی خداوند امام مهدی علیه السلام در پرتو رهنمودهای عالم فرزانه جناب منصور هاشمی خراسانی آیدة الله تعالی هستید. از خداوند متعال درخواست توفیق روزافزون برایتان دارم. ان شاء الله

که خداوند از تقصیرات حقیر بگذرد و توفیق جبران بدهد. لطفاً بفرمایید که حدّ اطاعت‌پذیری از امیرانمان در نهضت مبارک چگونه است؟

پاسخ به نقد فرعی ۱

تاریخ: ۱۳۹۸/۱۱/۱۳

کَمِيَّة و كَيْفِيَّة فَعَالِيَّة‌های مرتبط با نهضت زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی علیه السلام، توسط امیرانی تعیین می‌شود که توسط دفتر علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی گزینش و معرفی می‌شوند. بنابراین، هر گونه فعالیت مرتبط با نهضت در فضای میدانی یا مجازی، باید تحت نظارت و مدیریت آنان انجام شود و حرف‌شنوی و فرمان‌برداری از آنان در رابطه با آن ضروری است؛ تا حدّی که اگر کسی بدون نظارت و مدیریت آنان فعالیت میدانی یا مجازی در رابطه با نهضت داشته باشد، از یاران علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی محسوب نمی‌شود، بل عنصری خودسر و بیگانه محسوب می‌شود که خواسته یا ناخواسته به نهضت آسیب می‌زند؛ چراکه درستی و هماهنگی فعالیتش قابل تضمین نیست و تبعاً مسؤولیت عواقب آن بر عهده‌ی خودش است. از این رو، روایات متعدّدی حاکی از ضرورت حرف‌شنوی و فرمان‌برداری از امیران لشکر حق رسیده است، اگرچه خُلق یا روش آنان خوشایند نباشد؛ چنانکه به سند صحیح از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است: «مَنْ رَأَى مِنْ أَمِيرِهِ شَيْئًا يَكْرَهُهُ فَلْيَصْبِرْ، فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَحَدٍ يُقَارِقُ الْجَمَاعَةَ شِبْرًا فَيَمُوتُ إِلَّا مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً»^۱؛ «هر کس از امیر خود چیزی ببیند که خوش نمی‌دارد، باید صبر کند؛ چراکه هیچ کس به اندازه‌ی وجبی از جماعت (اهل حق) جدا نمی‌شود، مگر اینکه چون بمیرد به مرگ جاهلیت مرده است». به همین دلیل، علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی یاران خود را به حرف‌شنوی و فرمان‌برداری از امیرانشان سفارش کرده و فرموده است:

«برای شما از دو چیز می‌ترسم: اختلاف در میانتان و نافرمانی از امیرتان؛ چراکه مانند دو تیغ‌هی قیچی، رشته‌ی کار را می‌برند. زنه‌ار در میان شما اختلافی نباشد و هر یک از شما از امیر خود اطاعت کند. از من نیست کسی که در میان شما اختلافی بر می‌انگیزد یا از امیر خود نافرمانی می‌کند؛ مانند کسی که می‌گوید من این امیر را قبول ندارم؛ پس از جماعت جدا می‌شود و به خودسری روی می‌آورد و به کارشکنی می‌پردازد، تا آن گاه که به فتنه می‌افتد؛ مانند گوسفندی که از گله جدا می‌شود و به تنهایی می‌چرد، تا آن گاه که گرگی او را می‌یابد و می‌درد! امیران

۱. مسند أحمد، ج ۱، ص ۲۷۵؛ سنن الدارمی، ج ۲، ص ۲۴۱؛ صحیح البخاری، ج ۸، ص ۸۷؛ صحیح مسلم، ج ۶، ص ۲۱

شما از صالحان شما هستند و با شما مشورت می‌کنند. پس از آن‌ها اطاعت کنید، تا کارهاتان سامان یابد؛ چراکه این برای شما بهتر است اگر بدانید»^۱.

تاریخ: ۱۴۰۰/۵/۳

نویسنده: عبد‌الله

نقد فرعی ۲

با توجه به اینکه امیران نهضت معصوم نیستند و ممکن است اشتباه کنند، آیا اطاعت از آنان با عدم جواز تقلید از غیر معصوم منافات ندارد؟!

تاریخ: ۱۴۰۰/۵/۲

پاسخ به نقد فرعی ۲

اطاعت از امیران نهضت با عدم جواز تقلید از غیر معصوم منافات ندارد، مانند اطاعت از پدر و مادر؛ چراکه اطاعت از آنان، مربوط به موضوعات است و عدم جواز تقلید از غیر معصوم، مربوط به احکام. توضیح آنکه عمل به فتوای غیر معصوم در حوزه‌ی احکام جایز نیست، مگر اینکه دلیلی علم‌آور برای آن از عقل و شرع اقامه کند، ولی عمل به نظر غیر معصوم در حوزه‌ی موضوعات اشکالی ندارد؛ مانند عمل به نظر پزشک، مهندس و مدیر کارخانه که بر اساس مهارت و تجربه‌ی خود، درباره‌ی موضوعات پزشکی، مهندسی و کاری نظر می‌دهند و عقلاً عمل به نظر آنان را لازم می‌دانند، اگرچه معصوم نباشند؛ چنانکه هیچ عاقلی بر خلاف نظر پزشک یا مهندس یا مدیر کارخانه‌ای که در آن شاغل است عمل نمی‌کند با این استدلال که آنان معصوم نیستند و ممکن است اشتباه کنند؛ چراکه اگر آنان معصوم نیستند و ممکن است اشتباه کنند، او نیز معصوم نیست و ممکن است اشتباه کند، با این تفاوت که آنان در این حوزه مهارت و تجربه‌ی بیشتری دارند و از این رو، عمل به نظر آنان عاقلانه‌تر است. این یعنی عمل به نظر آنان در این حوزه عقلاً واجب محسوب می‌شود و از این رو، می‌توان آن را شرعاً نیز واجب دانست؛ چراکه شرع با عقل ملازمه دارد و از این رو، اگر بیمار عمداً بر خلاف نظر پزشک عمل کند و آسیب ببیند، یا بنا عمداً بر خلاف نظر مهندس عمل کند و آسیب برساند، یا کارگر عمداً بر خلاف نظر مدیر کارخانه عمل کند و سبب خسارت شود، شرعاً گناه کرده و ضامن است؛ همچنانکه نافرمانی پدر و مادر در مواردی که خواسته‌ای بر خلاف احکام خداوند ندارند، شرعاً گناه است و موجب عقاب اخروی می‌شود، اگرچه هیچ یک معصوم نیستند.

حاصل آنکه اطاعت از امیران نهضت، عقلاً و شرعاً واجب است؛ چراکه آنان درباره‌ی حلال و حرام فتوا نمی‌دهند تا لازم باشد معصوم باشند، یا برای هر یک از اوامر خود دلیلی علم‌آور

۱. فراهی از گفتار ۱۶۲

اقامه کنند، بلکه صرفاً درباره‌ی امور جاری و معمولِ نهضت نظر می‌دهند؛ به این معنا که بر اساس مهارت و تجربه‌ی خود و به گونه‌ای پدران و مادران، کیفیت و کمیت برخی کارهای مباح را تعیین می‌کنند تا نتیجه‌ی بهتری از آن‌ها حاصل شود و از این رو، هیچ عذری برای عمل بر خلاف نظر آنان وجود ندارد، مگر اینکه کسی نظر آنان را بر خلاف احکام خداوند بداند؛ یعنی معتقد باشد کاری که آنان خواسته‌اند شرعاً حرام است که در این صورت باید با دلایل علمی کافی به آنان تذکر دهد و اگر تذکر او را بدون توضیحات قانع‌کننده نپذیرفتند، به دفتر علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی مراجعه کند تا خود بررسی و اقدام لازم را انجام دهد ان شاء الله.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی
 مجتبیان آبریزی تقدماً



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.